

لطفاً آخرین آمار سرمایه‌گذاری خارجی را بفرامایید و اینکه این میزان در مقایسه دولت سیزدهم و قبل و بعد از آنچه تغییری کرده است؟

در دولت سیزدهم که الان نزدیک به دو و نیم سال از آن می‌گذرد، نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار جذب معتبر سرمایه‌داشتیم. شاید نیاز باشد که در مورد این عناوین هم توضیح داده شود؛ ما سازمان سرمایه‌گذاری هستیم. سازمان سرمایه‌گذاری طرح‌ها و شرایط را آماده می‌کند تا سرمایه‌گذار خارجی وارد یک طرح سرمایه‌گذاری شود و منابع مالی که در اختیار دارد را با توجه به مزیت‌هایی که در جمهوری اسلامی وجود دارد سرمایه‌گذاری کند.

کاری که ما در دولت سیزدهم کردیم این است که آمارهایی را بدیم که سرمایه‌گذار حداقل در آن ورود کرده است و از این طریق آمارهای قبلی را هم اصلاح کردیم. چون خیلی وقت‌ها این اتفاق می‌افتد که سرمایه‌گذاری تصمیم می‌گیرد که سرمایه‌گذاری کند و طرح سرمایه‌گذاری‌اش را هم ارائه می‌دهد اما در مرحله عمل به این نتیجه می‌رسد که فعلاً بنا به دلایلی نمی‌تواند سرمایه‌گذاری را انجام دهد و خارج می‌شود. ما این موارد را از آمارهایمان خارج کردیم. یعنی اگر می‌خواستیم این بخش از سرمایه‌گذاری‌ها را هم مثل دوستان خودم که در این جایگاه بودند اعلام کنیم الان رقم ما بالای ۱۸ و ۱۹ میلیارد دلار در دوره همین دولت سیزدهم می‌رفت. ولی ما این بخش را خارج کردیم؛ چون می‌گویم ما به‌عنوان سازمان سرمایه‌گذاری وظیفه‌مان را در آن سرمایه‌گذاری انجام دادیم و باید در آمارهایمان وارد کنیم که سرمایه‌گذاری وارد کشور شده باشد.

این معیار را ما باید در نظر بگیریم که هر سرمایه‌گذاری درخواست سرمایه‌گذاری خود را ارائه می‌دهد شش ماه فرصت دارد که بخشی از سرمایه‌اش را وارد کشور کند؛ بنابراین زمانی می‌توانیم آمار دقیق ۱۴۰۲ را خدمت شما و مردم مطرح کنیم که شش ماه از سال ۱۴۰۲ گذشته باشد. آن موقع من می‌توانم بگویم واقعا در ۱۴۰۲ ۱۴ میلیی که اعلام کردیم یعنی ۵/۵ تا شش میلیارد دلار واقعا چه مقدارش نشده است. و طرح‌ها در کشور شروع شده است.

با این تغییر، ۱۱ میلیارد دلار دولت سیزدهم عملاً تا تابستان ۱۴۰۲ است نه تا پایان سال. یعنی درواقع می‌شود گفت عمر دوساله دولت، نه دوسال و نیمه.

بله. یعنی ما معتبرها را می‌گویم. چون بعداً باید بگویم که چه مقدار سرمایه‌گذاری در کشور دارای مجوز معتبر هستند چون اگر بخشی از سرمایه کشور را وارد نکنند آن اعتبار مجوزشان باطل می‌شود. دوستان قبلی مجوزهای باطل شده را از آمار خارج نمی‌کردند ولی ما از آمار خارج می‌کنیم. همان‌طور که در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۲ این موارد را از آمارها خارج کردیم. طرح‌هایی که مربوط به شش‌ماهه دوم هست نیز تا شش ماه فرصت دارند که در پایان شهریور ۱۴۰۲ معلوم می‌شود در کشور هستند یا نیستند.

هر یک از بخش‌ها چه سهمی دارند؟ تصور بر این است که عمدتاً این سرمایه‌گذاری‌ها به سمت نفت و گاز هدایت می‌شود.

برخی مدعی هستند بخش زیادی از سرمایه خارجی از افغانستان است. بالاخره افغانستان هم یکی از کشورهای همسایه است ولی نه این‌طور نیست. دلیل اینکه بعضی اوقات می‌گویند افغانستان اول است این است که دو معیار وجود دارد. یک معیارمان رقم سرمایه‌گذاری است که در سازمان سرمایه‌گذاری این معیار برپیمان اهمیت دارد. ولی یک موقع هست که ما

به جای رقم سرمایه‌گذاری، تعداد طرح‌های سرمایه‌گذاری را مدنظر قرار می‌دهیم. اگر این‌طور بخواهیم بگویم، روسیه کلاً پنج مورد طرح سرمایه‌گذاری دارد. اما این پنج طرح دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار است. طرح‌های سرمایه‌گذاران افغانستانی که ما میزبانان در ایران هستیم عمدتاً طرح‌های کوچک هستند ولی به تعداد زیاد.

بنابراین اگر وقتی چنین چیزی مطرح می‌شود بیشتر روی این جنبه موضوع کار دارد. مثلاً می‌گویند کلاً ما ۶۰۰-۷۰۰ طرح داریم یک پنجم یا یک سوم آن فقط سرمایه‌گذاران افغانی هستند. اما اینکه مبلغ این طرح‌ها چندتر است یک موضوع دیگری است.

منظر غربی‌ها نماندیم

به نظر می‌رسد اگر رویکرد دولت سیزدهم به سمت کشورهای همسو و همسایه نبود شاید این میزان سرمایه‌گذاری جذب نمی‌شد. دستاوردهایی که در این زمینه حاصل شده را نتیجه همین رویکرد می‌دانید؟

بله. اگر قرار بود من هم مثل گذشته تمام توجهم به این باشد که منابع سرمایه‌گذاری در دنیا مهم هستند باید ما حتماً از یک کشور بزرگ اروپایی یا کشوری که در آمریکای شمالی هست جذب سرمایه انجام دهیم پس صبر کنیم تا زمانی که آن سرمایه‌گذاران شرایط را در ایران مناسب ببینند و بیایند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. اگر ماهم چنین کاری کرده بودیم الان همان جایی بودیم که قبل از ما بودند.

برای همین ما واقعا منظر نماندیم که ببینیم در حوزه سیاسی چه شرایطی ایجاد می‌شود که آن کشورها و سرمایه‌گذاران آن کشورها می‌گویند حالا دیگر مانعی نیست ما می‌توانیم بیاییم.

ما گفتیم با همین شرایطی که جمهوری اسلامی دارد بسیاری از کشورها که ما آنها را همسایه و همسو می‌بینیم منافعشان در گروی است این است که با ایران همکاری اقتصادی کنند و این در سازمان تجربه شده.

اشاره- با توجه به محدودیت منابع برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد، یکی از مؤلفه‌های رشد اقتصادی کشورها، استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی است. در دولت قبل بسیاری از ظرفیت‌های جذب سرمایه خارجی همانند انبوهی از مسائل ریز و درشت دیگر، به بهانه برقراری ارتباط با غرب معطل مانده بود اما دولت سیزدهم با تکیه بر راهبرد جدید در دیپلماسی اقتصادی موفق شد بدون توجه به اخم و قهر غربی‌ها، ظرف دو سال بیش از ۱۱ میلیارد دلار سرمایه معتبر خارجی را جذب کند. برای بررسی چالش‌ها

و فرصت‌های پیش روی کشور در این حوزه، در گفت‌وگویی با «علی فکری»؛ معاون وزیر اقتصاد و رئیس‌کل سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران به ابعاد پیدا و پنهان سرمایه‌گذاری خارجی پرداختیم. فکری متفق است این میزان سرمایه با تغییر ریل دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم به دست آمده اما برای ادامه این روند باید برای برخی نقاط ضعف داخلی همچون بروکراسی اداری و بی‌ثباتی در قانونگذاری چاره‌اندیشی شود و «سیاست ارزی دوستدار سرمایه خارجی» در دستور کار قرار گیرد.

رئیس کل سازمان سرمایه‌گذاری ایران در گفت‌وگو با کیهان تأکید کرد

موانع داخلی

بلای استفاده از جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در ایران



بعد از آن هم منابع معدنی و انرژی که در ایران وجود دارد اینها نکات اصلی است که از بیرون به‌عنوان عوامل قدرت به آن نگاه می‌کنند.

عوامل ضعف داخلی

عوامل ضعف چیست؟

آنچه که از بیرون به‌عنوان عامل ضعف در ایران به آن نگاه می‌کنند کندی تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری متشتت به‌عنوان اولین عامل است. به عبارتی اینکه در هر منطقه‌ای و هر سازمانی اینها خیلی سخت به تصمیم می‌رسند و بعد اگر به تصمیم رسیدند عمر آن تصمیم هم خیلی نیست و ثباتش خیلی قابل اتکا نیست. وقتی من در خارج از ایران با فعالان اقتصادی ملاقات می‌کنم اولین دغدغه‌ای که مطرح می‌کنند این است که اگر مثلاً ما امروز این مقدار سرمایه را آوردیم در این حوزه سرمایه‌گذاری کردیم تا صادرات انجام دهیم، فردا یک دفعه صادرات اینن کالا را ممنوع نمی‌کنند؟

نیست که چنین اتفاقی بیفتند. لذا تحریم همان‌قدر که آنجا عمل می‌کند در سمت مقابل مکوس عمل می‌کند مشروط به اینکه ما ملاحظات کشورهایمانی که با ما همکاری می‌کنند را بشناسیم منافع آنها را بشناسیم منافع مشترک با آنها تعریف کنیم. طبیعتاً منافع هیچ دو کشوری در دنیا به صورت صد درصدی منطبق نمی‌شود. وقتی منافع مشترک با آنها تعریف کردیم این به این معنا نیست که حالا می‌خواهیم اینها را جای آمریکا بنشانیم. نه ما می‌آییم در آن قسمت‌هایی که با همدیگر منفعت مشترک داریم با هم همکاری می‌کنیم و سعی می‌کنیم موانع را برطرف کنیم.

ما این کار را کردیم و نتیجه‌اش را دیدیم که واقعا دیگر منتظر آنها و تغییر سیاستشان نماندیم. بنابراین ما این‌جا کار خودمان را انجام می‌دهیم ولی مهم‌ترین مانعی که با آن مواجه شدیم چیست؟ همان مسائل موضوعات شکست دهنده.

پس منافع آمریکا در گروی این است که نگذارد که این کردپور از مسیر جمهوری اسلامی شکل بگیرد. پس آنجا تحریم مؤثر است به دلیل اینکه آمریکا نمی‌خواهد. بنابراین مشکل آمریکا با جمهوری اسلامی صرفاً موضوعات هویتی و عقیدتی نیست. ما در آن حوزه‌ها مشکلات زیادی با هم داریم اما از بعد اقتصاد هم واقعا آمریکا یک موقعی نمی‌خواهد که جمهوری اسلامی توسعه پیدا کند چون توسعه جمهوری اسلامی را افزایش قدرت رقبای خودش می‌داند؛ پس سعی می‌کند به هر بهانه‌ای شده از آن جلوگیری کند. اگر امروز شما آمدی در مذاکره هسته‌ای یک بهانه را رفع کردی او می‌گردد یک بهانه دیگر پیدا کند؛ چون او منافع دارد و فقط بهانه‌هایش را عوض می‌کند و همواره سعی می‌کند به نوعی این فشار را حفظ کند تا به نوعی تأثیر بگذارد.

اما در مورد سایر کشورها؛ به همان اندازه که آمریکایی‌ها توسعه و پیشرفت خودشان یا قدرت برتر ماندن خودشان برایشان اهمیت دارد و توسعه و پیشرفت جمهوری اسلامی در راستای چنین هدفی نیست به همان اندازه توسعه و پیشرفت جمهوری اسلامی برای رقبای آمریکا موهبتی محسوب می‌شود که می‌تواند دست آنها را پسر کند؛ درمقابل آمریکایی که می‌خواهد جلوی آنها را بگیرد و به قول خودشان آنها را مهار کند. سیاست مهار قدرت‌های نوظهور که سیاست و راهبرد کلان آمریکا است که سال‌هاست دارد دنبال می‌کند. حالا این‌جا شما هستید که چطور انتخاب می‌کنید. اگر تصویر ذهنی‌تان این باشد که اگر من این‌جا بیایم از یک سری از آرم‌ها و ایده‌های منرفی خودم عقب بنشینم و نظار آمریکا را جلب کنم بعد از آن می‌توانم آن سرمایه را هم به خدمت بگیرم؛ من به دوستانی که این فکر را می‌کنند در گذشته که در دولت آنها پالاتر بودند می‌گفتم و هم امروز می‌گویم که از بعد اقتصادی چنین اتفاقی نمی‌افتد. شروع حتی اگر از آرم‌های خودت هم عقب نشستی- که نباید عقب بنشینی- منفعت اقتصادی آمریکا این نیست که مثلاً کردپور شمال- جنوب ایران را بقبندت زیر پا کاشی کردپوری هزینه‌های هند و روسیه را کاشی می‌دهد. وقتی هزینه‌های هند و روسیه کاشی یافت یعنی این دو قدرت راحت‌تر می‌توانند با آمریکا هم‌اوردی کنند و پس را از بازارهای رقیب بیاورند. پس به نفع آمریکا

یعنی روسیه و چین خودشان هم تحت تحریم هستند. این نکته اول است. تحریم‌های روسیه شاید در بعضی موارد بسیار شدیدتر از تحریم‌های ما هم هست. مدل تحریمی هم که روی چین دارد اعمال می‌شود مدل متفاوتی است. مثلاً زنجیره ارزشی برای تولید یک کالا مانند موبایل شکل می‌گیرد. آن کالا یک سری و قطعات دارد که این قطعات در یک جایی تولید می‌شود. آمریکا می‌رود جلوی آن را

می‌گیرد یا سعی می‌کند تا جایی که می‌تواند با قیمت چند برابری به چین برسد. بنابراین خود این کشورها هم تحت تحریم هستند. موضوع دوم هم اینکه اگر ایران کشور ضعیفی باشد که نتواند آن مؤلفه‌های قدرت خودش را به کار بگیرد طبیعتاً به درد آنها هم نمی‌خورد. چون در آن صورت فقط آنها باید به این کشور سوبسید بدهند و برای اینکه بخواهند این کشور به حیات خودش ادامه دهد آنها باید یک سری امکاناتی را به این کشور بدهند. چنین چیزی در روابط بین‌الملل بی‌معنی است. او باید در جمهوری اسلامی مؤلفه‌های قدرت ببیند که دارد می‌بیند. او می‌گویند من هرقدر یار قوی تری داشته باشم خودم هم قوی‌تر می‌شوم.

ما با آن تست‌تها و با آن نوساناتی که در تصمیم‌گیری‌ها داریم اگر مؤلفه‌های قدرتمان را ضعیف کنیم یک موضوع دیگر است ولی آنها همیشه خواسته‌شان از ما این است که طوری عمل کنیم که بتوانیم همکاری‌های بهتر و عمیق‌تری را شکل بدهیم. البته ما هم براساس منافع خودمان جلو می‌رویم نه اینکه بگوییم هرچه آنها مطرح کردند حتما همین

ما با آن تست‌تها و با آن نوساناتی که در تصمیم‌گیری‌ها داریم اگر مؤلفه‌های قدرتمان را ضعیف کنیم یک موضوع خیلی مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، «سیاست ارزی دوستدار سرمایه خارجی» است؛ این اسمی است که من به کار می‌برم. ما نباید در این مورد فکر کنیم که البته یک مقدار هم برای فکر کردن دیر شده است و باید در این باره عمل کنیم. مورد بعد درباره سیاست‌های صادراتی، کنترل صادرات و مقررات مختلفی است که در حوزه‌های مختلف گذاشته می‌شود. ما سرمایه‌گذارانی داشته‌ایم که سه بار در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به این معنا که رفتند یک جا سرمایه‌گذاری کردند ولی متوجه شدند یک سری از امکاناتی که فکر می‌کردند هست، رتی کافی بوده و در عمل وجود خارجی نداشته است، بعد مجبور شدند جمع کنند بروند جای دیگری. از نظر سرمایه‌گذار این‌ها هزینه است. باید این هزینه‌ها را کاهش دهیم تا جذابیت‌های جمهوری اسلامی را بالا ببریم. خوب این کار را الان با اطلس سرمایه‌گذاری

آنچه که از بیرون به‌عنوان عامل ضعف در ایران به آن نگاه می‌کنند کندی تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری متشتت به عنوان اولین عامل است. به عبارتی اینکه در هر منطقه‌ای و هر سازمانی اینها خیلی سخت به تصمیم می‌رسند و بعد اگر به تصمیم رسیدند عمر آن تصمیم هم خیلی نیست و ثباتش خیلی قابل اتکا نیست. وقتی من در خارج از ایران با فعالان اقتصادی ملاقات می‌کنم، اولین دغدغه‌ای که مطرح می‌کنند این است که اگر مثلاً ما امروز این مقدار سرمایه را آوردیم در این حوزه سرمایه‌گذاری کردیم تا صادرات انجام دهیم، فردا یک‌دفعه صادرات اینن کالا را ممنوع نمی‌کنند؟

درست است و خوب است ما هم براساس منافع خودمان آنجا که تشخیص دهیم که همکاری با آنها مناسب است جلو می‌رویم.

پاسخ اقتصادی به تحریم

چطور می‌توانیم به سمت کنار زدن تحریم و پش‌سیمان کردن تحریم‌کننده برویم؟

راه درست این است که آمریکا ببینند ما داریم صحنه داخلی کشور و برنامه‌های کلان توسعه را به نوعی تنظیم می‌کنیم که در آینده حتی در زمانی که ممکن است رقابت امروز بین او و قدرت‌های در حال ظهور وجود نداشته باشد هم در این منطقه مهم آسیا دیگر جایی نخواهد داشت. این آن وقتی که این را ببینند آن موقع به این فکر می‌افتند که حالا در حوزه تحریم هم کوتاه بیاید.

پس آن تفاوتی که بین ما و دوستان قبلی وجود دارد این است که من می‌گویم



دلایل تحریم صرفاً مواضع و هویت ما نیست، دلایل تحریم اقتصادی هم هست. من دارم از تحریم‌های اقتصادی و تکنگاهای اقتصادی که آنها ایجاد می‌کنند صحبت می‌کنم که چون اقتصادی است باید به آن پاسخ اقتصادی داده شود. پاسخ اقتصادی به تحریم این است که ما برنامه‌های بلندمدت توسعه کشور را بطوری طراحی کنیم که طرف تحریم‌کننده ببیند اگر نخواهد این مسیر را ادامه بدهد ۲۰ سال دیگر هم دیگر نمی‌تواند در ایران در منطقه غرب آسیا جایگاهی داشته باشد که انتظارش را داشت.

بزرگان کشور در بحث راهبرد پیشرفت معتقدند باید محاسبات دشمن را تغییر دهیم یعنی به گونه‌ای رفتار کنیم که طرف حتی در محاسباتش دیگر روی نقطه ضعیف ما حساب نکند که بخواهد روی آن محاسباتی اقدامی انجام دهد. شما چقدر خلا این استراتژی توسعه را احساس می‌کنید؟

صفحه ۸

سه‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۳

۲۹ رمضان ۱۴۴۵ - شماره ۲۳۵۵۱

نکته خیلی مهمی است؛ یعنی شما اگر راهبرد کلان توسعه و پیشرفت کشور را به نوعی تعیین کنید که دو عامل در آن برزنگ باشد؛ عامل اول اینکه متکی باشد به توانمندی داخلی که اگر ما می‌خواهیم که برنامه‌های توسعه را از هزینه کمتر پیش ببریم بتواند حداقل استفاده و بهره‌بردارای را از توانمندی داخلی بکند.

دوم اینکه یک زنجیره از نقاط قوت کشور را در حوزه اقتصادی شناسایی کنید و بعد نقاط قوت کشور در منطقه و در بین همسایگان را هم ببینید و بر اساس آن زنجیره‌هایی را توسعه دهیم که به ما در آن زنجیره‌ها نقش رهبری را نقش برتری می‌دهد. این می‌شود آن راهبرد کلان توسعه‌ای که ما می‌توانیم طراحی کنیم که البته می‌گویم به صورت پراکنده این کار شده است ولی آیا کامل است؟ نه. خیلی راه داریم.

یک زمانی همه تشخیص دادند که به دلیل منابع هیدروکربن که در کشور داریم اگر زنجیره‌های پتروشیمی شکل بگیرد نسبت به خیلی از کشورهای دیگر ما مزیت داریم پس ما باید به سمت توسعه این زنجیره‌ها برویم. ولی آیا به صورت همگن این اتفاقات افتاده یا نه، آمدیم یک دفعه یک حلقه را توسعه دادیم، مثلاً تولید یک گاز را یا یک ماده اولیه را به وفور توسعه دادیم ولی در ادامه زنجیره نقص وجود دارد چون ادامه کار را ندیدیم. پس این نشان می‌دهد که درست است در این حوزه مسیر را درست دیده‌ایم اما نتوانستیم به نوعی طراحی کنیم که در یک بازه زمانی مشخص به آن هدف قطعی نهائی برسیم.

اطلس سرمایه‌گذاری

اشاره کردید که هنوز تا استفاده از همه ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در کشور راه زیادی داریم. برخی چالش‌ها در این زمینه و اقداماتی که برای رفع آن صورت گرفته را بیان می‌کنید؟

یک موضوع خیلی مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، «سیاست ارزی دوستدار سرمایه خارجی» است؛ این اسمی است که من به کار می‌برم. ما نباید در این مورد فکر کنیم که البته یک مقدار هم برای فکر کردن دیر شده است و باید در این باره عمل کنیم. مورد بعد درباره سیاست‌های صادراتی، کنترل صادرات و مقررات مختلفی است که در حوزه‌های مختلف گذاشته می‌شود. ما سرمایه‌گذارانی داشته‌ایم که سه بار در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به این معنا که رفتند یک جا سرمایه‌گذاری کردند ولی متوجه شدند یک سری از امکاناتی که فکر می‌کردند هست، رتی کافی بوده و در عمل وجود خارجی نداشته است، بعد مجبور شدند جمع کنند بروند جای دیگری. از نظر سرمایه‌گذار این‌ها هزینه است. باید این هزینه‌ها را کاهش دهیم تا جذابیت‌های جمهوری اسلامی را بالا ببریم. خوب این کار را الان با اطلس سرمایه‌گذاری

شروع کرده‌ایم. فز اولش را در دهه فجر ۱۴۰۲ افتتاح کردیم و فاز دوم هم سال ۱۴۰۳ به نتیجه می‌رسد. با این اطلس سرمایه‌گذار می‌تواند واقعیت‌ها را ببیند و درست تصمیم‌گیری کند نسبت به اینکه زیرساخت‌هایی که نیاز دارد را کجا می‌تواند پیدا کند یا اینکه کجا می‌تواند بهترین یا سودآورترین سرمایه‌گذاری را داشته باشد. این دست اقدامات است که ما را بعد از آن تغییر ریل به نقطه‌ای می‌رساند که بتوانیم به استفاده از ظرفیت‌های کشور نزدیک شویم.

البته یک عامل مهم دیگر هم هست اینکه رقابت‌های بین دستگاهی باید به حداقل برسد. یعنی دستگاه‌ها بلدند که بالاخره یک مغزی وجود دارد که آن مغز الان می‌آید تشخیص می‌دهد که مثلاً اگر منبعی که دارد از خارج از ایران می‌آید در این پروژه ریلی که منفعت ماست نمی‌تواند بنشیند چون منفعت ما و او

عمدتاً به سمت نفت و گاز نیست ولی طرح‌های نفت و گاز طرح‌های بزرگی است. یعنی الان پروژه‌های بزرگ نفتی و گازی داریم که توسط سرمایه‌گذاران خارجی در حال اجراست و عمدتاً هم روسیه در آن حوزه سرمایه‌گذاری کرده است. در این آمار حدوداً ۱۱ میلیارد دلاری که خدمت شما گفتم دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مربوط به بخش نفت و گاز و چند طرح بزرگ نفتی و گازی است.

یکی از مهم‌ترین جذابیت‌ها موقعیت جغرافیایی جمهوری اسلامی ایران است. ما موقعیت جغرافیایی منحصربفردی داریم. واقعاً به آن توجه می‌کنند به علقه‌های فرهنگی، عقیدتی و دینی کشورمان و جایگاه رهبری که ایران در بخشی از جهان اسلام دارد مربوط است. عامل سوم منابعی است که کشور دارد. و بعد از آن منابع معدنی و انرژی که اینها هم به‌عنوان عامل قدرت جمهوری اسلامی دیده می‌شود.

اشتراک ندارد پس باید این مثلا برود در حوزه نیرو یا صنعت یا در حوزه انرژی تجدید پذیر. منظور این است که **سست که یک نهاد جدیدی تأسیس شود؟**

نه، من خیلی با نهاد سازی موافق نیستم. نهاد وجود دارد. کار سازمان برنامه و بودجه همین است. فقط باید به این نهاد اختیار داده شود و برای آن مأموریت تعریف شود. نوع ارتباط آن نهاد با نهادهایی که در حوزه اقتصاد خارجی کار می‌کنند کاملاً تعریف شود و از همه اینها مهتر بخش‌ها و نهادهای مختلف به آن تصمیمات احترام بگذارند. در غیر این‌صورت اگر نهاد جدید درست کنیم دوباره باید نسبت این نهاد را با بقیه تعریف کنیم. اتفاقی نمی‌افتد فقط یک عده پستی گرفته‌ایم و دور همدیگر نشسته‌ایم.

سیاس از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

سیاس‌گزارم.

^[1] با توجه به محدودیت منابع برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد، یکی از مؤلفه‌های رشد اقتصادی کشورها، استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری خارجی است

^[2] در دولت قبل بسیاری از ظرفیت‌های جذب سرمایه خارجی همانند انبوهی از مسائل ریز و درشت دیگر، به بهانه برقراری ارتباط با غرب معطل مانده بود اما دولت سیزدهم با تکیه بر راهبرد جدید در دیپلماسی اقتصادی موفق شد بدون توجه به اخم و قهر غربی‌ها، ظرف دو سال بیش از ۱۱ میلیارد دلار سرمایه معتبر خارجی را جذب کند